

## بررسی شاخص‌های کارآمدسازی انقلاب اسلامی در تحقق نظام اسلامی

مهدی محمدزاده بنی طرفی<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۱۵

### چکیده:

کارآمدی انقلاب اسلامی در تحقق و تشکیل نظام اسلامی از مهمترین دغدغه‌های دلسوزان و صاحبان اندیشه و متفکرین اسلامی می‌باشد. اما این کارآمدی لازم است که یک معیار و یک شاخص داشته باشد. حکومت امام علی (ع) بعنوان یک الگوی موفق در حکومت داری که شیفتگان زیادی دارد، می‌تواند شاخص‌های کارآمدی نظام اسلامی در لایه‌های مختلف اعم از بنیادی و کاربردی را بیان نماید. محصول این نمونه و الگو، رابطه بسیار دوستانه، انسانی و شرافت‌مندانه حاکم با مردم می‌باشد. اینکه چگونه رابطه حاکم و مردم مبتنی بر محبت و شرافت شکل می‌یابد، ریشه در سه اصل اخلاق، عدالت و امنیت دارد. مؤید وجود سه اصل مذکور؛ حکمتها، نامه‌ها و کلمات قصاری است که مولای متقیان علی (ع) در نهج البلاغه به آنها اشاره نموده است. بازخوانی اصول سه‌گانه مذکور، ضمن بیان ریشه‌های شرعی در حجت آنها، بیانگر بنیان‌های الگوی حکومتی مطلوب در تمدن اسلامی نیز می‌باشد. از این رو؛ ضرورت دارد که جایگاه سه اصل مذکور در سیره حکومتی امام علی (ع) بازخوانی گردد. پژوهش حاضر اطلاعات را به صورت کیفی، کتابخانه‌ای و به صورت توصیفی-تحلیلی بررسی می‌نماید.

### واژگان اصلی:

کارآمدی، شاخص، انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، حکومت اسلامی

## مقدمه

کارآمدی نظام اسلامی از آن جهت حائز اهمیت است که با استقرار نظام اسلامی و کارآمدی آن است که می‌توان احکام و قوانین اسلامی را پیاده نمود همیشه دشمنان قسم‌خورده دین، در طول تاریخ حاکمیت خود، دین را برناتافته و به زعم خود دین را فاقد مرجعیت قلمداد کرده و بر این گمان خود که دین ناتوان از پاسخگویی به نیازهای بشر بوده پافشاری نموده و دنبال حذف دین و آموزه‌های آن از زندگی بشر و یا لاقط از مسئله‌ی حکومت داری بوده‌اند.

در حوزه شاخص‌های کارآمدی بدون در نظر گرفتن حکومت یا نظام، کتاب‌ها و مقالات متعددی مانند کتاب کارآمدی دول جناب آقای لاپورتا و یا کتاب عوامل تعیین کننده کارآمدی دولت‌ها اثر هانر و کیو که و همچنین کتاب درآمدی بر کارآمدی در نظام سیاسی اسلام دکتر کاظمی نوشته شده است اما این تحقیقات یک اشکال بزرگ دارد و آن این است که این مطالعات بدون در نظر گرفتن شرایط اقلیمی، مذهبی، قومی و منطقه‌ای است و یا در اکثر بررسیها نیز عوامل تأثیرگذار به شکل مناسبی مورد دقت قرارنگرفته اند و الزامات اجرای آن بیان نشده است.

در چنین موقعیتی که همیشه این تفکر در برابر تفکر نظام اسلامی و اینکه دین و دیانت و اسلام به عنوان خاتم ادیان توانایی مدیریت بشریت را داشته لزوم بررسی شاخص‌های کارآمدی نظام اسلامی می‌تواند حائز اهمیتی دوچندان باشد که جامعه بشریت را از انحرافات نجات داده و به سعادت دنیوی و اخروی برساند. کارآمدی دین و نظام اسلامی، از جمله مسائل بنیادینی است که توفیق در آن، موجب تعالی نظام اسلامی است. نظام جمهوری اسلامی ایران نیز که بر اساس آموزه دین اسلام استوار است، به دنبال کارآمدی است تا استمرار خویش را با کسب رضایت افزون‌تر شهروندان در عرصه عمل، بیش از پیش تضمین نماید.

برای به ثبات رساندن نظام اسلامی بهترین شاخصه و اساسی ترین مسئله بررسی کارآمدی نظام است، استحکام پایه‌های فکری و کارکردی نظام اسلامی با تبیین و مشخص نمودن شاخص‌های کارآمدی نظام اسلامی است. ایجاد و تاسیس و تبیین شاخص‌های قبل از پیدایش نظام و حکومت یکی از لازم‌ترین مطالبی است که نظام‌های تاسیس شده در خود ایجاد می‌کنند و میزان پیگیری و تحقق اصول و اهدافی که از سوی نظام‌های تاسیس شده و میزان گرایش نظام‌ها به این اهداف، معیار و شاخص کارآمدی نظام‌ها به شمار می‌رود. نظام اسلامی معیار و شاخص‌هایی دارد که مهمترین تعریف کننده و ایجاد کننده این شاخص‌ها را می‌توان حکومت

عدل علوی - به عنوان یک حکومت الگو و شاخص - باشد. هرچند که کارآمدی نتیجه ای است که می‌تواند در پرتو شاخص‌های مهم نظام اسلامی نظیر اخلاق، معنویت، عدالت‌محوری، امنیت و غیره به این نتیجه یعنی کارآمدی رسید و به طور طبیعی نظام کارآمد می‌شود و در نتیجه، می‌توان آن را شاخصی پیامدی و نتیجه‌ای قلمداد کرد، بر این اساس کارآمدی یک ویژگی اساسی نظام اسلامی به‌شمار می‌رود.

این نوشتار در صدد است تا شاخص‌های کارآمدی نظام اسلامی در قالب یک تحلیلی بنیادی بستر ساز برای طراحی الگوی اسلامی از منظر نهج البلاغه که به اعتراف بسیاری از علما، پس از قرآن زیباترین و برترین تجلی بلاغت است را تبیین کند. البته که می‌بایستی هدف نظام اسلام را قبل از تبیین شاخص‌ها بیان نمود که اگر هدف نظام اسلامی، تأمین معیشت و بستر سازی در جهت رشد و تعالی معنوی و سلوک الی الله باشد، آنگاه میزان موفقیت نظام اسلامی در دستیابی به این اهداف را می‌توان میزان کارآمدی آن نظام نامید و هر عاملی و شاخصی که باعث حرکت جامعه به این مهم گردد، می‌تواند یک میزان برای کارآمدی خوانده می‌شود.

### مفهوم شناسی کارآمدی

کلمه « کارآمدی» از نظر لغوی، معادل واژه لاتین افکتیونس<sup>۱</sup> می‌باشد (جعفری، ۱۳۷۷، ج ۱)، و به « معنای مفید بودن، خدمت کردن، به کار آمدن، در خور بودن» (دهخدا، ۱۳۷۷) در نظام‌ها و حکومت‌ها به اثر بخشی و نفوذ معنا می‌شود در تعریفی دیگر کارآمدی با کارآیی مترادف گرفته شده و این گونه تعریف شده است: قابلیت و توانایی رسیدن به هدف‌های تعیین شده و مشخص. سنجش مقدار کارآیی از طریق مقایسه مقدار استاندار با هدف یا مقدار کیفیتی که عملاً به دست آمده صورت می‌گیرد. مثلاً تولید واقعی با تولید مورد هدف و یا زمان مصرف شده با زمان پیش بینی شده مقایسه می‌شود. (آقا بخشی، ۱۳۷۹: ۴۴۶) از دیدگاه سیمور لیپست کارآمدی عبارت است از تحقق عینی یا توان سیستم در تحقق کارکردهای اساسی یک حکومت، به گونه ای که اکثریت مردم و گروه‌های قدرتمند درون نظام آن را عیناً مشاهده کنند. (سیمور، ۱۳۷۴: ۱۱). از مجموع تعاریف متعددی که در این زمینه وجود دارد؛ می‌توان کارآمدی را به معنای «موفقیت در تحقق اهداف با توجه به امکانات و موانع» تعریف نمود؛ از این رو کارآمدی

1. effectiveness

بر اساس سه پارامتر اهداف، امکانات و موانع مشخص می‌گردد. هر قدر پدید آمده‌ای با توجه به سه علامت ذکر شده در تحقق اهدافش موفق باشد به همان مقدار کار آمد است.

### چیستی شاخص

شاخص<sup>۱</sup> در لغت به معنای « بلند برآمده از هر چیزی . مرتفع» (دهخدا، ۱۳۷۷) «میله، برآمده، تیر، تیرک، نمودار، فرد ممتاز، نماینده، علامت و مشخص‌کننده وقت نماز ظهر است» (محمد معین) و در اصطلاح به معنای کمیتی کلی است که سایر متغیرها و ویژگی‌ها جزئی و کوچک در خود جای داده است. «شاخص»، علامت یا مقیاسی است که روابط موجود میان دو یا چند متغیر (کمی - کیفی) را در زمانی مشخص به صورت ارزش‌های عددی (میانگین، نسبت و واریانس) به طوری که معنی و مفهوم لازم را برساند، بیان می‌کند. (محسن فرمهینی فراهانی، ۱۳۹۳، ۲۷۷)

ارل بی شاخص را به «سنجه ترکیبی متغیرها» تعریف کرده که از ترکیب گویه‌های جزئی و هم‌تراز تشکیل شده است و متغیرهای مورد نظر را می‌سنجد. (ارل بی، ۱۳۸۱، ۳۴۶) مثلاً «دین‌داری» به عنوان شاخصی از گویه‌هایی مانند پای‌بندی به اعتقادات دینی، رفتن به مسجد و خواندن نماز تشکیل شده است که بر اساس آن، میزان دین‌داری افراد را می‌سنجد. (همان مدرک) بر این اساس، شاخص، نشانه و نمودی قابل اندازه‌گیری یا مقیاسی برای ارزیابی فعالیت‌های انجام‌شده است که تعیین میزان موفقیت افراد، نشان دادن مشکلات، پیش‌بینی روند کار و تعیین خط‌مشی کلی برای رسیدن به هدف است.

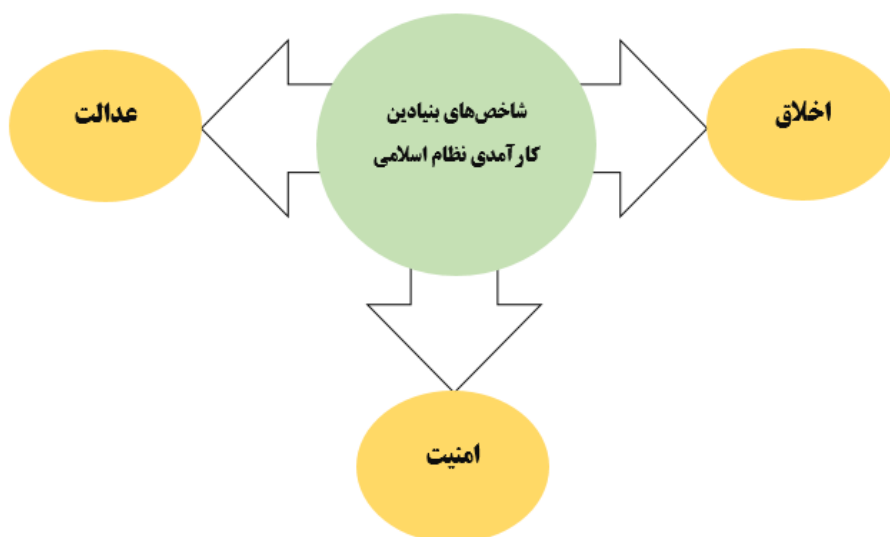
بر این اساس، اصطلاح شاخص در زبان فارسی و عرف دانشمندان، دارای مفهومی گسترده‌تر از اصطلاح ایندکس در زبان لاتین است؛ چراکه این اصطلاح، به شاخص‌های کمی دلالت دارد و شاخص در مفهوم متداول به شاخص‌های کیفی نیز گفته می‌شود. چه بسا امروزه کاربرد شاخص در شاخص‌های کیفی، بیش‌تر از شاخص کمی مشاهده می‌شود. شاخص‌های کیفی، ماهیت غیرشمارشی دارد و به صورت عبارت و گزاره و با مفاهیمی چون عالی، خوب، متوسط، ضعیف و خیلی ضعیف، بیان و اندازه‌گیری می‌شود. (شهربانو پاپی‌نژاد و سیده فاطمه محبی، ۱۳۸۹، ۲۵)

### نهج البلاغه و شاخص‌های بنیادین کارآمدی نظام اسلامی

امام علی (ع) در دوره کوتاه حکومت خود، در نامه‌ها، احکام و سخنرانی‌های خود، ضمن تبیین

<sup>۱</sup> index

وظایف و تکالیف حکومت در برابر مردم و مردم در برابر حکومت، بر روی سه شاخصه اخلاق، عدالت و امنیت تأکید بسیار دارد. در ساختار کارآمدی نظام سیاسی، بعد از بیان مبانی، سخن از اصول و قواعد حاکم بر آن است. اصول و قواعد نیز لایه‌های مختلف دارند. برخی در درجه اهمیت بیشتر قرار داشته و نقش شاخص در تعیین مسیر و حتی صدور قاعده را بر عهده دارند. در سطح مبانی، توحید، نبوت و معاد جای دارند. اما در سطح اصول و قواعد شاخص سه گانه اخلاق، عدالت و امنیت جای می‌گیرند.



این ارزش فرار می‌گیرند. در تعمرات امام علی (ع) نظام و حکومت یک امانتی است که در دستان حاکمان و کارگزاران نظام قرار دارد و باید مراقبت از این امانت به نحو احسن صورت بگیرد چرا که همیشه مورد قضاوت دیگران و مردم خواهد بود در واقع امام علی (ع) در توصیه‌ی خود به مالک اشتر می‌فرماید: که مالک طوری رفتار نما که در قضاوت درباره تو مردم به نحو احسن قضاوت بکنند. ایشان بر این باور هستند که مهمترین عاملی که می‌تواند در رساندن این امانت به مقصد نهائی با کمال صحت و سلامت اتفاق بیافتد اخلاق است و در واقع اخلاق بعنوان یک کنترل قدرت و کارآمدی نظام بر می‌شمارند.<sup>۱</sup> (نهج البلاغه/ نامه ۵۳) از این رو؛ شاخص اخلاق در سیره حکومتی علوی، ریشه در توحید داشته و مبتنی بر آموزه‌های توحید لوازمی دارد که

عبارتند از:

### ۱. نفی قدرت‌طلبی

امام علی (ع) در نامه خود به مالک اشتر یکی از آفت‌های حکومت‌داری و نظام‌های اسلامی را قدرت بر می‌شمارند و مست شدن در این قدرت را عاملی برای به‌انزوا و انحطاط جامعه اسلامی می‌داند لذا برای مهار این آفت امام توصیه به یادآوری قدرت خدا می‌کنند و راه‌کاری را که ایشان برای حل این مشکل اخلاقی بر می‌شمارند یادآوری قدرت بی‌انتهای خداوند متعال است. <sup>i</sup> (نهج البلاغه / نامه ۵۳)

### ۲. بازداشتن از عجب و تملق

از آفت‌های کارگزاران، عجب و تملق اطرافیان است. نوع نگاه امام علی (ع) در گزینش و انتخاب کارگزاران نظام مبتنی بر اخلاق و فضائل اخلاقی است لذا ایشان در نامه به مالک اشتر، او را به وزیری توصیه می‌کند که به مالک اشتر با صراحت زبان، عیبها و اشتباهاتش را تذکر دهد تا او بتواند اشکالات خود را دیده و اصلاح نماید. <sup>ii</sup> (نهج البلاغه / نامه ۵۳) به کارگیری، گزینش و یا استخدام یکی از مهم‌ترین مباحث در هر نظام حکومتی می‌باشد. که معمولاً هر نظامی براساس یک سری الگوهای منحصر به فرد خود اقدام می‌کند در برخی حکومت‌ها از طریق فتح و غلبه و یا زور برخی دیگر مناصب براساس وراثت، گاه بر مبنای رابطه‌ها و زدوبندهایی انجام می‌گیرد. اما در الگوی اسلامی نظام اسلامی گزینش کارگزاران بست به میزان توانایی‌های اخلاقی و شخصیتی آنان اتفاق می‌افتد. امام (ع) به کارگزاران و حاکمان نظام اسلامی و اداره‌کنندگان جامعه با عبارات متفاوت اهمیت دل‌نستن به دنیا را گوشزد کرده و دنیا را مکانی برای اجرای حدود و احکام الهی معرفی کرده‌اند. <sup>iv</sup> (نهج البلاغه / خطبه ۹۹).

### ۳. رعایت تقوا

در منظومه فکری و عملی امام علی (ع) تقوا رئیس اخلاق است و می‌فرماید: ﴿التَّقَى، رَئِيسُ الْأَخْلَاقِ﴾ (نهج البلاغه حکمت ۴۱۰) تقوا یعنی اینکه انسان در تمامی امور زندگی چه در حکومت‌داری و چه در زندگی شخصی خدا را شاهد بر اعمال خود بباید. و برای خدا و دستورات الهی قدم بردارد یعنی پرهیزکاری این معنای ساده تقوا در شاخص اخلاق است که اگر در حکومت و نظام اسلامی رعایت گردد از دیدگاه امام (ع) می‌تواند ضامن بقای و کارآمدی نظام اسلامی باشد. (نهج البلاغه / نامه ۵۳)

یک کارگزار در نظام اسلامی اهل تقواست. این تقوا در سه سطح فردی، اجتماعی و تمدنی قابل تعریف است. اگر جامعه اسلامی در نظام اسلامی، دارای تقوای مطلوب نباشد، نظام اسلامی کارآمدی لازم را نخواهد داشت. لذا امام علی (ع) می‌فرماید: «أَمْرُهُ بِتَقْوَى اللَّهِ، وَ إِیْشَارَ طَاعَتِهِ، وَ أَتْبَاعِ مَا أَمَرَ بِهِ فِی كِتَابِهِ مِنْ فَرَائِضِهِ وَ سُنَنِهِ الَّتِی لَا یَسْعُدُ أَحَدٌ إِلَّا بِأَتْبَاعِهَا، وَ لَا یَشْقَى إِلَّا مَعَ جُحُودِهَا وَ إِضَاعَتِهَا»<sup>۴</sup> (او را فرمان می‌دهد به تقوای الهی، و مقدم داشتن طاعت خدا، و پیروی آنچه را که خداوند در کتابش از واجبات و سنت‌های خود امر فرموده، که کسی جز به پیروی آنها خوشبخت نمی‌شود، و جز به انکار و ضایع نمودن آنها بدبخت نمی‌گردد) (نهج البلاغه/نامه ۵۳)

#### ۴. پیشگیری از فروپاشی نظام اسلامی

نکته حائز اهمیت این است که امام علی (ع) علت از بین رفتن و فروپاشی نظام‌ها و حکومت‌ها را از دست دادن مسائل اخلاقی می‌داند. آن حضرت در نهج البلاغه، توصیه می‌نماید که یک کارگزار به رحمت الهی امیدوار باشد و از گذشت در برابر مردم پشیمان نگردد. در عین حال، از کینگری که داده است خوشحال نشود و در خشمی که راه نجات ندارد، شتاب نگیرد. آن حضرت (ع) همه این عوامل را سبب فساد دل، کاهش دین و نابودی نظام اجتماعی می‌داند.<sup>۷</sup> (نهج البلاغه / نامه ۵۳)

اساس تشکیل و هدف حکومت و نظام اسلامی در اندیشه امام علی (ع) اجرای حدود و دستورات الهی است، یعنی نظام اسلامی باید مبتنی بر حکومت الله باشد. شاخصه اخلاق در کارآمدی نظام اسلامی و برای کارگزاران و حاکمان حکومت اسلامی مانند یک ترمز، یک نگهبان و مراقب در برابر لغزش‌های نفس است. حضرت علی (ع) در بحث اخلاق فرقی بین حکومت و اشخاص قائل نمی‌شوند یعنی وقتی که به مالک اشتر توصیه به اخلاق فردی می‌کند که به رعایت تقوای الهی و اطاعت از خداوند امر می‌کند.<sup>۷</sup> (نهج البلاغه/ نامه ۵۳) در همان نامه هم تأکید به اخلاق حکومتی می‌کند از دیدگاه ایشان اخلاق افراد زمینه ساز اخلاق جامعه است یعنی فرد اگر خودش را اصلاح کند و اخلاق حسنه داشته باشد و تقوای الهی را پیشه کند طبیعتاً می‌تواند در حکومت و کارآمدی نظام اسلامی تأثیر گذار باشد یعنی در واقع ما نمی‌توانیم از کارگزار نظام بخواهیم شما فقط اخلاق حکومت را رعایت کند در واقع یکی از شرایط و ویژگی‌های کارگزاران نظام اسلامی این است که هم در برنامه شخصی خود اخلاق را رعایت می‌کنند و هم

اگر به قدرت برسند این اخلاق و تقوا را رعایت می‌کنند کافی است نامه امام علی (ع) را با این دیدگاه مطالعه کنیم خواهیم دید که امام علی (ع) همان خدایی را که به اطاعت او امرش توصیه می‌کند همان خدا را هم برای مراقبت در برابر قدرت توصیه می‌کند لذا تصور اینکه اخلاق فردی غیر از اخلاق نظام داری و حکومت داری است و اصولاً تلازمی بین این دو نیست این تصور کاملاً اشتباهی است.

از نظر امام علی (ع) مردم ناچار هستند که امیر داشته باشند و این امیر می‌تواند بد و یا خوب باشد. اطاعت از امیر خوب بر مردم واجب است. زیرا اگر مردم از امیر خوب اطاعت نکنند نظام اسلامی از هم می‌پاشد و مردم باید برای تداوم حکومت اسلامی از امیران و حاکمان و رهبران خودشان اطاعت کنند. (نهج البلاغه / خطبه ۴۰) عدم اطاعت از امیر خوب، سبب نا کارآمد شدن تدابیر او و در نتیجه باعث از هم پاشیدگی نظام اسلامی می‌شود. (نهج البلاغه / خطبه ۴۷) در نتیجه تبعیت از امیر حق و عادل، سبب آن می‌شود که تدابیر او نتیجه داشته و نظام اسلامی کارآمد گردد.

### ۵. رعایت اخلاق نسبت به سایر ملل

وقتی نامه امام علی (ع) به مالک اشتر را مطالعه می‌نماییم می‌بینیم امام در توصیه به مالک، خصوصیت رعایت اخلاق را مختص به داخل نظم اسلامی نمی‌دانند در واقع امام (ع) کارآمدی نظام اسلامی را فقط مختص به داخل حکومت نمی‌دانند و این رعایت اخلاق می‌بایستی با سایر کشورها و دولت‌ها نیز رعایت شود. حتی اگر عقد و پیمان را با یک دشمن بسته است، اخلاق حکومت اسلامی حکم می‌کند؛ تا زمانی که طرف مقابل خلف وعده نموده است، نسبت به آن پیمان، متعهد بماند. <sup>vi</sup> (نهج البلاغه / نامه ۵۳) از این‌رو؛ امام (ع) مالک اشتر را در تعاملات خارجی و بالاتر از آن با دشمن خود سفارش به پرهیز از خدعه، نیرنگ، دروغ، پیمان شکنی و غیره می‌نمایند. این سیره نظام اسلامی است که در چهره حکومت علوی نمایان شده و رمز کارآمدی نظام اسلامی را در رعایت اخلاق می‌داند.

### شاخص عدالت

امام علی (ع) عدالت را یک شاخص مهم برای کارآمدی نظام بر می‌شمارند و در واقع در کنار شاخص اخلاق، شاخص عدالت به عنوان یک رکن اساسی شمره می‌شود. لذا شما در حکومت امام علی (ع) چه در زمان حکومت شان و چه در مشاوره‌هایی که به خلفای قبل از خودشان دادند



تماما به حساسیت نسبت به واژه عدالت بوده است و همه تلاش خودشان را برای مبارزه با بی عدالتی به کار برده اند. عدالت دامنه گسترده دارد و آن حضرت (ع) عدالت را با همه گستردگی به دقت می‌شناخت. (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۴: ۹۴۵) در شاخص اخلاق امام علی (ع) به مالک اشتر توصیه به رعایت اخلاق را کرده اند و گفته اند اگر در نظام اسلامی اخلاق نباشد نظام کارآمدی خود را از دست می‌دهد این اهمیت شاخص اخلاقی را می‌رساند اما نکته جالب آن اینجا است که اگر عدالت و شاخص عدالت نباشد شاخص اخلاقی هم در میان مردم و در هم میان مسؤولان از بین می‌رود. (نهج البلاغه / خطبه ۲۱۶)

لذا مهم آن است که حاکمان، والیان، زمامداران نظام اسلامی، محققین، خواص جامعه و مردم نسبت به عدالت و شناخت آثار آن غفلت نورزند، تا بتوانند بدون درنگ، خواستار اجرای عدالت حتی برای نزدیکان خود باشند. امام علی (ع) بقای حکومت و کارآمدی نظام را بسته به اجرای عدالت و ظلم نکردن به مردم می‌داند. لذا می‌فرماید: «مَنْ عَمَلَ بِالْعَدْلِ حَصَّنَ اللَّهُ مُلْكَهُ» (آمدی، ۱۳۶۶، ۱: ۳۲۹، ح ۳۰). یا در جای دیگر می‌فرماید: «زَيْنُ الْمُلْكِ الْعَدْلُ». «زینت پادشاهی و زیور حکومت داری، اجرای عدالت است.» (آمدی، ۱۳۶۶، ۱: ۳۸۵، ح ۲۳).

در کلام امام علی (ع) قوام اجتماع مردم و کارآمدی نظام در رعایت کردن عدل است ایشان مقوله عدالت را چنان ارزشمند می‌دانند که نادیده گرفتن آن، ثبات اجتماعی را از بین می‌برد و شکست یک ملت و نظام را موجب می‌شود. و اجرای آن مایه پایداری و استحکام جامعه می‌دانند: «العدل قوام البریة و الظلم بوار الرعیة». «عدالت، مایه قوام و پایداری مردم است و ستم و ظلم، موجب هلاک ملت است.» (آمدی، ۱۳۶۶، ۱: ۱۴۱، ح ۸۵۷ و ۸۵۶).

امام علی (ع) در نامه‌هایی که به سوی حاکمان، و کارگزاران نظام اسلامی ارسال می‌کردند، بر این نکته تأکید داشتند که از بارزترین نشانه حکومت دینی، اجرای عدالت از طرف حاکمیت بر مردم و نیز از روشن‌ترین علامتهای جامعه دینی، اقامه عدل در روابط اجتماعی است. اگر در حکومت اسلامی و جامعه مذهبی این ویژگی مورد توجه قرار نگیرد اصل اسلامی بودن آن محل تردید است.

### شاخص امنیت

یکی از فلسفه‌های پیدایش حکومت، ایجاد امنیت است. مراد از امنیت در این نوشتار؛ قرار گرفتن در وضع مطلوب به شرط دفع و رفع تعرض است و این وضع مطلوب می‌تواند فردی و

اجتماعی باشد. یعنی حکومت بدون امنیت، در حقیقت عینیت خارجی خود را از دست خواهد داد و چیزی جز یک نام به عنوان حکومت نیست. امنیت یکی از شاخص‌های مهم کارآمدی نظام است به شکلی که رفاه و آسایش مردم در حکومت و نظام اسلامی بند و مسلط به امیت است. امام علی (ع) می‌فرماید: «رفاهیه العیش فی الامن» (آمدی، ۱۳۶۶، ۴: ۱۰۰) و دولت و مردم باید در جست‌وجوی سازوکارهایی برای تأمین آن بر آیند؛ زیرا هیچ نعمتی گواراتر از امنیت نیست: «لا نعمه اهنأ من الامن» (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۶: ۴۳۵)

امام علی (ع) ضمن بیان شاخص‌های کارآمدی نظام اسلامی، یکی از اساسی‌ترین آن اهداف آن را ایجاد امنیت به‌ویژه برای مظلومین جامعه می‌داند<sup>vii</sup> (نهج البلاغه/ خطبه ۱۳۱) امیر مؤمنان علی (ع) چه در بیانات و چه در مکتوبات خودشان خطاب به کارگزاران نظام اسلامی نسبت به ایجاد و حفظ امنیت (فردی و اجتماعی) تأکید نموده و آنان را از هر اقدامی که باعث سلب امنیت می‌شود نهی می‌فرمودند. دراهمیت امنیت همان بس که امام علی (ع) در نامه ای که به مالک اشتر در خصوص زمامداری و ملاک و شاخص‌های کارآمدی، امنیت را زینت حاکمان و ارجمندی دین می‌دانند<sup>ix</sup> (نهج البلاغه / نامه ۵۳) امنیت مطلوب در نظام اسلامی لوازمی دارد که عبارتند از:

### ۱. منشأ تولید امنیت

در منظومه فکری اسلامی، منشأ امنیت خدای متعال است و کسی که در نظام اسلامی قرار گیرد و امنیت در قلب او مستقر شود، مؤمن نام دارد. به همین علت؛ امام علی (ع) معتقدند؛ امنیت از آن کسی است که در پناه خداوند متعال باشد. (نهج البلاغه/ خطبه ۲۲۰) لذا دستورات اسلام طوری مطرح شده اند که، مایه امنیت اساسی جامعه است<sup>x</sup> (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۶) آموزش تعالیم اسلامی به مردم و آگاه کردن آنان از معارف و احکام اسلامی، یکی از راه‌های دستیابی به امنیت است؛ چرا که از نظر قرآن، ایمان همان امنیت است و امنیت تنها در سایه ایمان به اسلام و آموزه‌های آن دست یافتنی است. (همان)

### ۲. وظیفه همگانی در حفظ امنیت

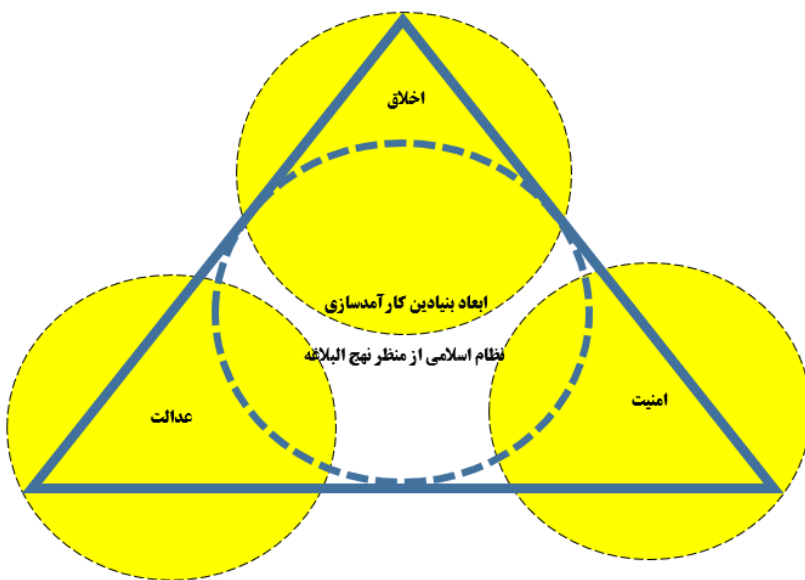
امام علی (ع) هنگامی که سپاه معاویه به شهر «انبار» یورش بردند و فرماندار حضرت را کشتند و به جان و مال و مردم تجاوز نمودند، و حتی اقلیت‌های مذهبی نیز از تعرض مصون نماندند و جان و مال آنها به خطر افتاد، ابراز ناراحتی نموده و مردم را به یاری طلبیدند.<sup>xi</sup> (نهج البلاغه/ خطبه ۲۷) امنیت در نظام اسلامی، شامل همه شهروندان اعم از مسلمان و غیر مسلمان می‌شود و

همگان در حفظ آن نقش دارند. حتی اگر سلاح در دست افرادی باشد که سبب اخلال در نظم و امنیت اجتماعی گردد، حکومت اسلامی موظف به مصادره آن است.<sup>xi</sup> (نهج البلاغه / نامه ۵۳)

### نتیجه گیری

از دیدگاه امام علی (ع) کارآمدی یعنی استفاده و ایفای بهینه کلیه مجموعه های نظام اسلامی است و از از طرفی می توان گفت که برای کارکرد بهینه مجموعه های نظام لازم است که کارآمدی دارای شاخص هایی باشد شاید مهمترین شاخص ها در نظام اسلامی جهت کار آمدی می تواند اخلاق ، عدالت و امنیت باشد وقتی در نهج البلاغه به دیدگاه‌های امام در مورد در خصوص کارآمدی نظام می نگریم می بینیم که امام علی (ع) در بخش‌هایی از نهج البلاغه مانند عهدنامه مالک اشتر، و غیره اهداف عالی و شاخص های کارآمدی نظام را برشمرند که هر کدام از آنها می باشد که در این مقاله بعنوان شاخص نقل شده است؛ یک رکن و اساس برای حکومت اسلامی است، که میزان دستیابی به این اهداف و تحقق این شاخص های تعیین کننده ، میزان کارآمدی و کارایی حکومت می تواند باشد. به عبارتی؛ هرچه اخلاق در سطح کارگزاران و مردم بیشتر و عمیق تر باشد، نظام و جامعه اسلامی کارآمدتر است. هر چه عدالت در جامعه و نظام اسلامی گسترده تر باشد، استعدادها شکوفاتر و جامعه نسبت به آینده خود امیدوارتر است. همچنین اگر امنیت در جامعه گسترده و مستمر باشد، جامع دارای آرامش فکری است و با نگاهی آرام به افق روشن آینده می‌نگرد. البته نباید از یاد برد که نظام اسلامی مبتنی بر سیره علوی، دارای امنیت عدالت محور است و بین امنیت و عدالت در این ساختار حکومتی تعارض نیست.

نتیجه آنکه در اندیشه سیاسی و حکومتی امام علی (ع) و برای بقای و کارآمدی نظام اسلامی ، رعایت اخلاق مهمترین مسئله حکومت است و این اخلاق با سیاست آمیخته شده است این تفکر اشتباه است که بیان می کند دین را وارد سیاست نکنید چرا که آلودگی های سیاست فراوان است و با دین هم خوانی ندارد. با ادله ای که آورده شده است متوجه می شویم نه تنها سیاست مکانی آلوده نیست بلکه سیاست همان اسلام است ، سیاست همان اخلاق است و سیاست یعنی الگویی چون حکومت علوی که هم سیاست دارد و هم اخلاق دارد و شما می بینید که در نامه ای که امیر المومنین به مالک اشتر می نویسند در آنجا هم توصیه به انصاف و ظلم نکردن دارد هم توصیه به اخلاق حکومتی داخلی و خارجی دارد و هم توصیه به فقرا و وضعفا دارند در این الگو حکومت اسلامی یک مدل جهانی است و نه فقط صرفا مختص به شیعیان ، این نمونه می تواند خواب



دشمنان دین و اسلام را آشفته نماید.

نمودار رابطه منطقی اصول سه گانه بنیادین کارآمدی نظام اسلامی

## منابع و ماخذ کاربردی

۱. نهج البلاغه
۲. آمدی، عبدالواحد تمیمی. (۱۳۶۶ ش). تصنیف غررالحکم و دررالکلم. تحقیق: مصطفی درایتی. دفتر تبلیغات، قم
۳. ارل بی، ۱۳۸۱ ش روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه: رضا فاضل، ج ۱، سمت، تهران
۴. بخشی، علی آقا، ۱۳۷۹، فرهنگ علوم سیاسی، انتشارات چاپار، تهران
۵. پاپی‌نژاد، شهربانو و سیده فاطمه محبی، ۱۳۸۹، شاخص‌های سنجش وضعیت زنان و خانواده، شورای فرهنگی اجتماعی زنان، تهران
۶. حائری، سید محسن. (۱۳۸۶ ش). اندیشه‌های اقتصادی در نهج البلاغه. ترجمه: عبدالعلی آل بویه لنگرودی. چاپ دوم، بنیاد نهج البلاغه، تهران
۷. خسروپناه، عبدالحسین. (۱۳۸۴ ش). جامعه علوی در نهج البلاغه. مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم
۸. جعفری، محمدرضا، ۱۳۷۷، فرهنگ نشر نو، تنویر، تهران
۹. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، فرهنگ لغت دهخدا، موسسه دهخدا، تهران
۱۰. سیمور، م، لیپست، مشروعیت و کارآمد، ۱۳۷۴، ترجمه رضا زبیب، فرهنگ توسعه، تهران
۱۱. صدوق، محمدبن علی. ۱۳۹۸ ق. التوحید. تحقیق: هاشم حسینی. جامعه مدرسین، قم
۱۲. فرمهینی فراهانی، محسن، ۱۳۹۳، فرهنگ توصیفی علوم تربیتی، تهران
۱۳. لیثی واسطی، علی بن محمد. ۱۳۷۶ ش. عیون الحکم و المواعظ. تحقیق: حسین حسینی، دارالحدیث، قم
۱۴. معین، محمد، ۱۳۸۶ ش، فرهنگ فارسی، ج ۲، زرین، تهران
۱۵. نوری، حسین، ۱۴۰۸ ق. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، قم

i ﴿اعْلَمْ يَا مَالِكُ، أَنِّي قَدْ وَجَّهْتُكَ إِلَى بِلَادٍ قَدْ جَرَتْ عَلَيْهَا دُولٌ قَبْلَكَ مِنْ عَدْلٍ وَ جُورٍ، وَ أَنَّ النَّاسَ يَنْظُرُونَ مِنْ أُمُورِكَ فِي مِثْلِ مَا كُنْتَ تَنْظُرُ فِيهِ مِنْ أُمُورِ الْوَلَاةِ قَبْلَكَ، وَ يَقُولُونَ فِيكَ مَا كُنْتَ تَقُولُ فِيهِمْ؛ وَ إِنَّمَا يُسْتَدَلُّ عَلَى الصَّالِحِينَ بِمَا يُجْرِي اللَّهُ لَهُمْ عَلَى السَّنِّ عِبَادِهِ. فَلْيَكُنْ أَحَبُّ الدَّخَائِرِ إِلَيْكَ ذَخِيرَةَ الْعَمَلِ الصَّالِحِ. فَاْمَلِكُ هَوَاكُ، وَ شُحٌّ بِنَفْسِكَ عَمَّا لَا يَجِلُّ لَكَ، فَإِنَّ الشُّحَّ بِالنَّفْسِ الْإِنْصَافُ مِنْهَا فِيمَا أَحَبَّتْ أَوْ كَرِهَتْ.﴾

ii ﴿وَ إِذَا أَحَدَثَ لَكَ مَا أَنْتَ فِيهِ مِنْ سُلْطَانِكَ أَبْهَةً أَوْ مَخِيلَةً، فَانْظُرْ إِلَى عِظَمِ مُلْكِ اللَّهِ فَوْقَكَ، وَ قُدْرَتِهِ مِنْكَ عَلَى مَا لَا تَقْدِرُ عَلَيْهِ مِنْ نَفْسِكَ، فَإِنَّ ذَلِكَ يُطَامِنُ إِلَيْكَ مِنْ طِمَاحِكَ، وَ يَكْفُ عُنْكَ مِنْ غَرْبِكَ، وَ يَقِيءُ إِلَيْكَ بِمَا عَزَبَ عُنْكَ مِنْ عَقْلِكَ.﴾

iii ﴿وَ أَقْلَهُمْ مُسَاعَدَةً فِيمَا يَكُونُ مِنْكَ مِمَّا كَرِهَ اللَّهُ لِأَوْلِيَائِهِ، وَاقِعًا ذَلِكَ مِنْ هَوَاكُ حَيْثُ وَقَعَ. وَ الصَّقُّ بِأَهْلِ الْوَرَعِ وَ الصَّدَقِ، ثُمَّ رُضُّهُمْ عَلَى أَنْ لَا يَطْرُوكَ، وَ لَا يَبْجَحُوكَ بِبَاطِلٍ لَمْ تَفْعَلْهُ، فَإِنَّ كَثْرَةَ الْأَطْرَاءِ تُحَدِّثُ الزُّهْوَ، وَ تُدْنِي مِنَ الْعِزَّةِ.﴾

iv ﴿عِبَادَ اللَّهِ، أَوْصِيكُمْ بِالرَّفْضِ لِهَذِهِ الدُّنْيَا التَّارِكَةِ لَكُمْ وَ إِنْ لَمْ تُحِبُّوا تَرْكَهَا، وَ الْمُبْلِيَةَ لِأَجْسَامِكُمْ وَ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ تَجْدِيدَهَا، فَإِنَّمَا مَثَلُكُمْ وَ مَثَلُهَا كَسْفَرٍ سَأَلُوا سَبِيلًا فَكَانَتْهُمْ قَدْ قَطَعُوهُ وَ أَمُوا عَلَمًا فَكَانَتْهُمْ قَدْ بَلَّغُوهُ، وَ كَمْ عَسَى الْمُجْرِي إِلَى الْغَايَةِ أَنْ يَجْرِيَ إِلَيْهَا حَتَّى يَبْلُغَهَا وَ مَا عَسَى أَنْ يَكُونَ بَقَاءُ مَنْ لَهُ يَوْمٌ لَا يَعُدُّهُ وَ طَالِبٌ حَثِيثٌ مِنَ الْمَوْتِ يَحْدُوهُ وَ مُرْعَجٌ فِي الدُّنْيَا [عَنِ الدُّنْيَا] حَتَّى يُفَارِقَهَا رَغْمًا. فَلَا تَنَافَسُوا فِي عِزِّ الدُّنْيَا وَ فَخْرَهَا وَ لَا تَعْجَبُوا بِزِينَتِهَا وَ نَعِيمِهَا وَ لَا تَجَزَّعُوا مِنْ ضَرَائِهَا وَ بُؤْسِهَا، فَإِنَّ عِزَّهَا وَ فَخْرَهَا إِلَى

انْقِطَاعٍ وَ إِنَّ زِينَتَهَا وَ نَعِيمَهَا إِلَى زَوَالٍ وَ ضَرَاءَهَا وَ بُؤْسَهَا إِلَى نَفَادٍ، وَ كُلُّ مُدَّةٍ فِيهَا إِلَى  
 انْتِهَاءٍ وَ كُلُّ حَيٍّ فِيهَا إِلَى فَنَاءٍ. ﴿

v ﴿ وَ لَا تَنْدَمَنَّ عَلَى عَفْوٍ، وَ لَا تَبْجَحَنَّ بِعُقُوبَةٍ، وَ لَا تُسْرِعَنَّ إِلَى بَادِرَةٍ وَجَدْتَ مِنْهَا  
 مَدُّوحَةً، وَ لَا تَقُولَنَّ إِنِّي مُؤَمَّرٌ أَمْرٌ فَاطَاعُ، فَإِنَّ ذَلِكَ ادْغَالٌ فِي الْقَلْبِ، وَ مِنْهَكَةُ  
 لِلدِّينِ، وَ تَقَرُّبٌ مِنَ الْغَيْرِ. ﴿

vi ﴿ أَمْرُهُ بِتَقْوَى اللَّهِ، وَ إِثَارِ طَاعَتِهِ، وَ اتِّبَاعِ مَا أَمَرَ بِهِ فِي كِتَابِهِ مِنْ فَرَائِضِهِ وَ سُنَنِهِ  
 الَّتِي لَا يَسْعُدُ أَحَدٌ إِلَّا بِاتِّبَاعِهَا، وَ لَا يَشْقَى إِلَّا مَعَ جُحُودِهَا وَ إِضَاعَتِهَا. ﴿

vii ﴿ وَإِنْ عَقَدْتَ بَيْنَكَ وَبَيْنَ عَدُوِّكَ عَقْدَةً، أَوْ الْبَسْتَهُ مِنْكَ ذِمَّةً، فَحُطَّ عَهْدَكَ  
 بِالْوَفَاءِ، وَ أَرَعْتَ ذِمَّتَكَ بِالْإِلْمَانَةِ، وَ اجْعَلْ نَفْسَكَ جَنَّةً دُونَ مَا أُعْطِيتَ، فَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ  
 فَرَائِضِ اللَّهِ شَيْءٌ النَّاسُ أَشَدُّ عَلَيْهِ اجْتِمَاعًا، مَعَ تَفَرُّقِ أَهْوَائِهِمْ، وَ تَشْتَّتِ آرَائِهِمْ، مِنْ  
 تَعْظِيمِ الْوَفَاءِ بِالْهُدَى. وَقَدْ لَزِمَ ذَلِكَ الْمُشْرِكُونَ فِيمَا بَيْنَهُمْ دُونَ الْمُسْلِمِينَ لِمَا  
 اسْتَوْلُوا مِنْ عَوَاقِبِ الْغَدْرِ؛ فَلَا تَعْدِرَنَّ بِذِمَّتِكَ، وَ لَا تَخَيْسَنَّ بِعَهْدِكَ، وَ لَا تَخْتَلِنَنَّ  
 عَدُوِّكَ، فَإِنَّهُ لَا يَجْتَرِئُ عَلَى اللَّهِ إِلَّا جَاهِلٌ شَقِيٌّ. وَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ عَهْدَهُ وَ ذِمَّتَهُ أَمْنًا  
 أَفْضَاهُ بَيْنَ الْعِبَادِ بِرَحْمَتِهِ، وَ حَرِيمًا يَسْكُنُونَ إِلَى مَنْعَتِهِ، وَيَسْتَفِيضُونَ إِلَى جِوَارِهِ، فَلَا  
 ادْغَالَ وَ لَا مَدَالِسَةَ وَ لَا خِدَاعَ فِيهِ، وَ لَا تَعْقِدْ عَقْدًا تَجُوزُ فِيهِ الْعِلَلُ، وَ لَا تُعَوِّلَنَّ عَلَى  
 لَحْنِ قَوْلٍ بَعْدَ التَّكْيِيدِ وَ التَّوْتِيقَةِ وَ لَا يَدْعُوَنَّكَ ضَيْقُ أَمْرٍ، لَزِمَكَ فِيهِ عَهْدُ اللَّهِ، إِلَى  
 طَلَبِ انْفِسَاخِهِ بِغَيْرِ الْحَقِّ، فَإِنَّ صَبْرَكَ عَلَى ضَيْقِ أَمْرٍ تَرْجُو انْفِرَاجَهُ وَ فَضْلَ عَاقِبَتِهِ،  
 خَيْرٌ مِنْ غَدْرِ تَخَافُ تَبِعْتَهُ، وَ أَنْ تُحِيطَ بِكَ مِنَ اللَّهِ فِيهِ طَلِبَةٌ، لَا تَسْتَقْبِلُ فِيهَا دُنْيَاكَ  
 وَ لَا آخِرَتَكَ. ﴿

viii «اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنِ الَّذِي كَانَ مِنَّا مُنَافَسَةً فِي سُلْطَانٍ وَ لَا اِتِّمَاسَ شَيْءٍ مِنْ فَضُولِ الْحُطَّامِ، وَ لَكِنْ لِنَرِدِ الْمَعَالِمَ مِنْ دِينِكَ وَ نَظْهَرَ الْإِصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ فَيَأْمَنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَ تَقَامَ الْمُعْطَلَةُ مِنْ حُدُودِكَ.»

ix «فَالْجُنُودُ بِإِذْنِ اللَّهِ حُصُونُ الرَّعِيَّةِ، وَ زِينُ الْوَلَاةِ، وَ عِزُّ الدِّينِ، وَ سُبُلُ الْأَمْنِ، وَ لَيْسَ تَقُومُ الرَّعِيَّةُ إِلَّا بِهِمْ. ثُمَّ لَا قِوَامَ لِلْجُنُودِ»

x الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَعَ الْإِسْلَامَ فَسَهَّلَ شَرَائِعَهُ لِمَنْ وَرَدَهُ وَ أَعَزَّ أَرْكَانَهُ عَلَيَّ مِنْ غَالِبِهِ فَجَعَلَهُ أَمْنًا لِمَنْ عَلِقَهُ

xi ﴿ وَ لَقَدْ بَلَّغْنِي أَنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ كَانَ يَدْخُلُ عَلَى الْمَرْأَةِ الْمُسْلِمَةِ وَ الْآخِرَى الْمُعَاهِدَةَ فَيَنْتَزِعُ حِجْلَهَا وَ قَلْبَهَا وَ قَلَائِدَهَا وَ رُعْثَهَا مَا تَمْتَنِعُ مِنْهُ إِلَّا بِالِاسْتِرْجَاعِ وَ الْاسْتِرْحَامِ، ثُمَّ أَنْصَرَفُوا وَافْرِينَ مَا نَالَ رَجُلًا مِنْهُمْ كَلِمٌ وَ لَا أُرِيقَ لَهُمْ دَمٌ. فَلَوْ أَنَّ امْرَأً مُسْلِمًا مَاتَ مِنْ بَعْدِ هَذَا أَسْفًا مَا كَانَ بِهِ مَلُومًا بَلْ كَانَ بِهِ عِنْدِي جَدِيرًا. ﴿

xii ﴿ وَ لَا تَضْرِبَنَّ أَحَدًا سَوْطًا لِمَكَانِ دَرَاهِمٍ وَ لَا تَمَسَّنَّ مَالَ أَحَدٍ مِنَ النَّاسِ مُصَلِّ وَ لَا مُعَاهِدٍ إِلَّا أَنْ تَجِدُوا فَرَسًا أَوْ سِلَاحًا يُعَدَى بِهِ عَلَى أَهْلِ الْإِسْلَامِ، فَإِنَّهُ لَا يَنْبَغِي لِلْمُسْلِمِ أَنْ يَدَعَ ذَلِكَ فِي أَيْدِي أَعْدَاءِ الْإِسْلَامِ فَيَكُونَ شَوْكَةً عَلَيْهِ، ﴿